

بررسی مبانی مرجع امنیت سیاسی در نظام امنیتی اسلام بر اساس رویکرد دولت محور

دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۷ تأیید: ۱۴۰۰/۲/۴ علی اصغر نصیری*
و نجف لکزایی** و سیدمحمدتقی آل غفور***

چکیده

مهم ترین موضوع محوری که قوام دهنده به دیگر موضوعات در مطالعات امنیتی است، مرجع امنیت می باشد. هر یک از مکاتب امنیتی با توجه به نظام فرهنگی و ارزشی خود، بر موضوعی به عنوان مرجع امنیت تأکید می کنند. در این بین، امنیت سیاسی یکی از مهم ترین ابعاد امنیت می باشد که پژوهش‌هایی توسط اندیشمندان اسلامی در جهت بررسی مرجع آن مبتنی بر دو رویکرد فرد محور و دولت محور صورت گرفته است. این مقاله نیز در راستای تکمیل تحقیقات مذکور در صدد است تا بر اساس رویکرد دولت محور، مبانی قرآنی و روایی مرجع امنیت سیاسی را در نظام امنیتی اسلام تبیین نماید. برای دستیابی به این هدف، با استفاده از روش تحلیلی - استنباطی و در چارچوب نظریه امنیت سیاسی بوزان، گزاره‌های قرآنی و روایی ناظر بر نمودهای سه گانه امنیت سیاسی استخراج گردید. یافته‌های این مقاله مبتنی بر مؤلفه‌های رویکرد دولت محور در امنیت سیاسی نشان می دهد که در قرآن کریم و روایات اسلامی، گزاره‌هایی وجود دارد که به صورت ایجابی و سلبی قواعدی را مطرح می کند که بر تقویت نمودهای سه گانه دولت اسلامی به عنوان مرجع امنیت سیاسی؛ یعنی ایدئولوژی اسلامی، نهادهای حکومتی اسلامی، دارالاسلام و نیز دفع و رفع هرگونه تهدید از آن‌ها دلالت دارد.

واژگان کلیدی

امنیت سیاسی، نظام امنیتی، فقه سیاسی، حکومت اسلامی

* دانش آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم 7:

a.nasivi@shahroodut.ac.ir

** دانش آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه باقر العلوم 7: lakzaee@gmail.com

*** دانش آموخته حوزه علمیه و عضو هیأت علمی دانشگاه باقر العلوم 7: Smta1334@gmail.com

مقدمه

امنیت در تمامی ابعاد و سطوح مختلف آن از جمله نیازهای اولیه و اصلی در حیات اجتماعی انسان به شمار می‌رود. دین اسلام به مثابه برنامه‌ای جامع برای زندگی فردی و اجتماعی انسان، به این نیاز کلیدی توجه داشته است و رهنمودها و دستوراتی را در این زمینه صادر نموده است که استخراج و کاربست آن‌ها در زندگی اجتماعی، امنیتی پایدار و متعالی را برای بشر به وجود خواهد آورد. با این وجود، مسأله امنیت و به ویژه امنیت سیاسی، یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کشورهای اسلامی را به خود مشغول کرده است. لذا این وضعیت، اهمیت، بلکه ضرورت پژوهش‌های گسترده در زمینه امنیت را در متون اسلامی به ویژه قرآن کریم و روایات اسلامی به عنوان منابع اصلی دینی با هدف استخراج نظریه امنیتی اسلام، دو چندان می‌کند. در این بین، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در نظریات و مطالعات امنیتی بدان توجه می‌شود و محور دیگر موضوعات امنیتی است، مرجع امنیت می‌باشد که در پاسخ به سؤال «امنیت برای چه کسی و یا برای چه چیزی» طرح می‌شود. با وجود پژوهش‌هایی که در زمینه مرجع امنیت در متون دینی و اندیشه اسلامی در سطح خرد فردمحور و کلان دولت‌محور صورت گرفته است، اما تا کنون پژوهشی که مبانی مرجع امنیت سیاسی در اسلام را در سطح کلان بررسی کرده باشد، صورت نگرفته است. زیرا آثار تولیدشده یا با رویکرد خرد فردمحور به این موضوع پرداخته‌اند و یا با وجود داشتن رویکرد کلان دولت‌محور، به لحاظ اندیشه‌ای و از منظر علما و فقهای اسلامی مرجع امنیت را بررسی کرده‌اند. لذا این مقاله در صدد است با استفاده از روش تحلیلی - استنباطی با رویکرد کلان دولت‌محور و بهره‌گیری از آیات و روایات اسلامی، مبانی مرجع امنیت سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت را در نظام امنیتی اسلام بررسی نماید. بر این اساس، در ابتدا در بخش اول این مقاله با عنوان چارچوب مفهومی و نظری بحث، مفاهیم کلیدی هم‌چون امنیت سیاسی و مرجع امنیت و نیز رویکرد دولت‌محور برگرفته از نظریه امنیت سیاسی باری بوزان، به عنوان چارچوب نظری و روش استنباطی به عنوان روش مقاله بیان می‌شود. در بخش دوم مقاله

نیز سه نمود دولت اسلامی؛ یعنی ایدئولوژی اسلامی، نهادهای اسلامی، و دارالاسلام از منظر آیات و روایات اسلامی تبیین می‌گردد.

چارچوب مفهومی و نظری بحث

در این قسمت، ادبیات نظری پژوهش و مهم‌ترین مفاهیم کلیدی مقاله هم‌چون امنیت، امنیت سیاسی و مرجع امنیت سیاسی به عنوان چارچوب مفهومی پژوهش و نیز روی‌کرد دولت‌محور در امنیت سیاسی، به مثابه چارچوب نظری پژوهش تبیین می‌شود.

مفهوم امنیت سیاسی

واژه امنیت در زبان فارسی را می‌توان مترادف با واژه الأمن (فراهدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۰۸ و جوهری، ۱۴۲۹ق، ص ۵۷-۵۶) در زبان عربی و واژه Security (حییم، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷۲۹) در زبان انگلیسی دانست. این واژه در زبان فارسی از ریشه «امن» گرفته شده است و به معنای بی‌بیمی، در امان‌بودن، ایمن‌شدن، آرامش و آسودگی (عمید، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۳۸؛ معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۱۲ و انوری و هم‌کاران، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۷۰) است. تعاریف مختلفی از امنیت ارائه شده است که در مجموع می‌توان آن‌ها در سه دسته تعاریف سلبی، ایجابی و سازه‌ای تقسیم کرد. «فقدان تهدید و ترس نسبت به ارزش‌ها» فصل مشترک تعاریف سلبی امنیت را تشکیل می‌دهد (Wolfers, 1952, p.485). «وجود احساس رضایت و اطمینان خاطر نزد دولت‌مردان و شهروندان» نیز ویژگی مشترک تعاریف ایجابی از امنیت است (ویلیامز، ۱۳۹۰، ص ۴۰-۴۱ و افتخاری، ۱۳۹۰، ص ۹۱). اما در تعریف سازه‌ای، هر یک از مکاتب امنیتی با توجه به نظام فرهنگی و ارزشی خود می‌توانند تعریفی ارائه کنند. بر این اساس، سازه امنیت عبارت است از: «دستیابی به وضعیتی که «الف» (با انجام‌دادن یا انجام‌ندادن اقدام‌هایی) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» مصون (و محفوظ) باشد تا به «ج» برسد (یا در وضعیت «ج» باشد)» (لکزایی، ۱۳۹۳، ش ۵، ص ۱۳). همانند تعریف امنیت، تعاریف مختلفی نیز از امنیت سیاسی ارائه شده است که می‌توان آن‌ها را به سه دسته تعاریف شهروندمحور، دولت/رژیم‌محور و سازه‌ای تقسیم کرد. «حفظ حقوق شهروندی در

عرصه سیاسی»، ویژگی مشترک تعاریف شهروندمحور می‌باشد (ویلیامز، ۱۳۹۰، ص ۴۱-۴۰ و جهان‌بزرگی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). «امنیت دولت (ایدئولوژی، نهادها، پایگاه مادی) / رژیم سیاسی (نهادها)» ویژگی بارز دسته دوم از تعاریف امنیت سیاسی است (بوزان، ۱۳۸۹، ص ۸۶ و عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳، ص ۱۷۷-۱۷۸). تعریف مختار از امنیت سیاسی در این مقاله با توجه به نگاه توأمان دنیوی و اخروی دین اسلام به امنیت و نیز مرجعیت دولت / نظام اسلامی در نظام امنیتی اسلام، بر اساس تلقی سازه‌ای ارائه می‌شود. لذا امنیت سیاسی عبارت است از «دستیابی به وضعیتی که «الف» (دولت / نظام اسلامی) از آسیب، تعرض و تهدید «ب» (داخلی / خارجی) مصون و محفوظ باشد تا به «ج» برسد یا در وضعیت «ج» باشد (پیشرفت / تقرب الی الله تعالی)».

مفهوم مرجع امنیت سرزمین‌های اسلامی

مرجع امنیت در مفهوم مطلق آن به چیزی اطلاق می‌گردد که در صورت تزام آن با امنیت‌های دیگر، بر آن‌ها مقدم می‌گردد (لکزایی، ۱۳۹۳، ش ۵، ص ۱۴ و همو، ۱۳۹۴، ش ۲۶، ص ۲۰). به عبارت دیگر، مرجع امنیت بازیگران یا چیزی می‌باشد که مورد هدف تهدید وجودی قرار گرفته و موجودیت آن با تهدید بقا مواجه می‌باشد. لذا برای حفظ موجودیت و بقای آن، تدابیر اضطراری و خارج از رویه‌های معمول اتخاذ می‌گردد (بوزان، ویور و دووید، ۱۳۸۶، ص ۶۷). در هر یک از رهیافت‌های نظری و مکاتب امنیتی، در پاسخ به پرسش «امنیت برای چه کسی؟» یا «برای چه چیزی؟»، متناسب با نظام ارزشی پذیرفته شده‌شان، فرد (انسان)، جامعه، دولت (نظام)، رژیم سیاسی (حکومت) به عنوان مرجع امنیت شناخته می‌شود (پورسعید، ۱۳۹۰، ص ۸۳-۷۱).

روی‌کرد دولت‌محور در امنیت سیاسی

روی‌کرد دولت‌محور در مطالعات امنیتی، نظریاتی را در بر می‌گیرد که امنیت به ویژه امنیت سیاسی را در سطح امنیت ملی مطرح می‌کند. دولت از منظر نظریه‌پردازان این روی‌کرد، به دلیل وابستگی تحقق و عینیت امنیت دیگر مراجع به آن، از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد (بوزان، ۱۳۸۹، ص ۸۶). به عبارت دیگر، از آن جا که صرفاً با

توجه به واقعیت امنیت دولت، تهدیدات علیه سایر مراجع امنیت معنا می‌یابد(همان، ص ۷۳)، لذا از دیدگاه نظریه‌پردازان این رویکرد، دولت به عنوان مرجع اصلی امنیت معرفی می‌گردد. در این رویکرد، دولت مفهومی موسّع دارد، لذا به رژیم سیاسی تقلیل داده نمی‌شود. ایده دولت یا ایدئولوژی مشروعیت‌ساز، نهادها و سازمان‌های حکومتی، پایگاه مادی و فیزیکی یا مردم و سرزمین، ارکان و نمودهای سه‌گانه ماهیت دولت را در رویکرد دولت‌محور تشکیل می‌دهد(بوزان، ۱۳۸۹، ص ۸۶ و ماندل، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹). ایدئولوژی و هویت ملی دو عنصر ایده دولت در رویکرد دولت‌محور می‌باشد. بر مرام‌نامه حکومت که اهداف، ارزش‌ها و اصول حیات سیاسی را در بر می‌گیرد و دارای پذیرش مردمی و پیونددهنده حکومت و مردم است، ایدئولوژی اطلاق می‌شود. بر این اساس، نوعی رابطه عمیق میان مردم و دولت شکل می‌گیرد که سبب انسجام، بسیج و مشارکت مردمی می‌گردد که بر آن هویت ملی اطلاق می‌شود. ایدئولوژی سیاسی با استفاده از قدرت توصیف و تجویز، زمینه رسیدن به اهداف رسمی را ایجاد می‌نماید(بوزان، ۱۳۷۸، ص ۸۷). نهادهای سیاسی و حاکمیتی رکن دوم دولت می‌باشد. عینیت و تحقق‌یافتن ایدئولوژی و ایده دولت زمانی است که نهادها و سازمان‌های مورد نیاز برای سیاست و عمل تشکیل شود و به ارائه خدماتی هم‌چون امنیت عمومی، آموزش، بهداشت، دفاع و غیره بپردازد. پایگاه مادی و فیزیکی، رکن و نمود دیگر دولت است. برخورداری دولت از قلمرو سرزمینی و جغرافیایی، لازمه تحقق موجودیت عملی آن است. لذا دولت‌های تحت سلطه و اشغال‌شده همواره با تهدید جدی نمود فیزیکی و مادی مواجه هستند و توان پایداری ندارند. مردم، ثروت و منابع، رکن مادی دولت را تشکیل می‌دهند(همان، ص ۱۱۲). جنگ و حمله نظامی مهم‌ترین تهدید امنیتی حوزه فیزیکی و مادی دولت می‌باشد(داوری اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸، ش ۱، ص ۷۴-۷۳).

ادبیات نظری(پیشینه)

پرداختن به مبانی مرجع امنیت سیاسی بر اساس رویکرد دولت‌محور در نظام امنیتی اسلام، به نوبه خود، موضوعی نو و بکر محسوب می‌شود. چراکه این امر، با

توجه به آثاری که به بحث مرجع امنیت سیاسی در نظام امنیتی اسلام پرداخته‌اند، به خوبی مشخص می‌شود. زیرا ادبیات تولیدشده نزدیک به موضوع این مقاله را می‌توان در مجموع در دو دسته کلی تقسیم کرد: دسته اول، آثاری هستند که با روی‌کردی فردمحور به موضوع مرجع امنیت در نظام امنیتی اسلام پرداخته‌اند. در این زمینه می‌توان به مقاله رحمت الهی و دیگران با عنوان «امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه» و مقاله آل سیدغفور با عنوان «گزاره‌های قرآنی مرجع امنیت سیاسی افراد» اشاره کرد. با چشم‌پوشی از بررسی فقهی یا مبانی قرآنی و غیره مرجع امنیت در این آثار، این دسته از مقالات، به دلیل اتخاذ روی‌کرد فردمحور، تخصصاً متمایز از موضوع مقاله حاضر می‌باشند.

دسته دوم، آثاری را شامل می‌شود که با روی‌کردی دولت‌محور به بررسی مرجع امنیت در نظام امنیتی اسلام پرداخته‌اند که به دو گروه تقسیم می‌شود: گروه اول از این آثار به طور عمده، مرجع امنیت سیاسی را از منظر امام خمینی 1 بررسی نموده‌اند. در این زمینه می‌توان به مقاله پورسعید با عنوان «مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی 1» و مقاله داوری اردکانی و شاکری با عنوان «امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی 1» اشاره کرد. در این قسم از آثار، با استناد به بیانات امام خمینی 1، دولت اسلامی که از سه نمود مکتب اسلام (نمود ایده)، ولایت فقیه (نمود نهادی) و مردم و سرزمین (نمود پایگاه فیزیکی) تشکیل شده است، به عنوان مرجع امنیت تلقی می‌شود. گروه دوم از این آثار، مرجع امنیت سیاسی را از منظر فقهی بررسی می‌کنند. در این زمینه می‌توان به مقاله نباتیان با عنوان «مبانی فقهی نظام جمهوری اسلامی؛ امنیت سیاسی نظام اسلامی از منظر فقه شیعه» و مقاله حاجزاده، کرمی و یغمایی با عنوان «جایگاه امنیت نظام سیاسی در فقه امامیه با تأکید بر مرجع امنیت» اشاره کرد. در این قسم از آثار نیز با روی‌کردی دولت‌محور، با استناد به دیدگاه‌های فقهی فقهای شیعه، دولت/ نظام اسلامی، به عنوان مرجع امنیت مورد بررسی واقع می‌شود.

بنابراین، با توجه به پیشینه این تحقیق می‌توان گفت که مهم‌ترین نوآوری این مقاله، بررسی مبانی قرآنی و روایی سه نمود (ایدئولوژی اسلامی، نهاد ولایت و دارالاسلام)، دولت اسلامی به عنوان مرجع امنیت سیاسی در نظام امنیتی اسلام بر اساس روی‌کرد دولت‌محور می‌باشد.

روش مطالعه پژوهشی (تحلیلی - استنباطی)

روش منتخب جهت بررسی مبانی مرجع امنیت سیاسی در نظام امنیتی اسلام بر اساس رویکرد دولت‌محور، روش مطالعه پژوهشی است. در این روش که روش تحلیل متن و روش کلاسیک نیز نامیده می‌شود، در ابتدای کار، سؤال‌هایی طرح می‌شود، سپس محقق به جست‌وجوی پاسخ آن پرسش‌ها در درون متن می‌پردازد. در روش مطالعه پژوهشی، نوعی ارتباط دو سویه و مکرر میان رجوع به متن و نتیجه‌گیری در مورد هر مطلب وجود دارد. با این بیان که با طرح سؤال، جست‌وجو در متن شروع می‌شود و بعد از مطالعه متن، این امکان وجود دارد که برخی قسمت‌های متن معنای دیگر قسمت‌ها را تغییر دهد. به عبارت دیگر، مطالعه پژوهشی مطالعه‌ای است که اولین ویژگی آن سؤال‌محوری است؛ به این معنا که محقق در چارچوب آن سؤال‌ها، مطالعه را آغاز می‌کند. ویژگی بعدی مطالعه پژوهشی، عمیق و دقیق بودن آن است. به این معنا که باید در ابتدا متن به خوبی فهمیده شود و بعد مشخص گردد که به کدام یک از پرسش‌ها جواب می‌دهد. ویژگی دیگر مطالعه پژوهشی این است که محقق باید نوعی مواجهه انتقادی با متن داشته باشد و از این طریق می‌تواند فقط اطلاعات قابل استفاده را ثبت کند. طبقه‌بندی اطلاعات با خلاقیت بر اساس پرسش‌های پژوهش، یکی دیگر از ویژگی‌های مطالعه پژوهشی است. نقد و ارزیابی اطلاعات طبقه‌بندی شده ویژگی دیگری در مطالعه پژوهشی است و به این معنا است که مفردات، جملات و ترکیبات آن اطلاعات فهم می‌شود، قرائن و شواهد گردآوری می‌گردد و اطلاعات مشابه در کنار هم قرار داده می‌شود. در نهایت نیز محقق شروع به تفسیر و استنباط از آن اطلاعات می‌کند و نظر خویش را بیان می‌نماید (کافی، ۱۳۹۶، ش ۵، ص ۱۲۳-۱۲۲).

امنیت ایدئولوژی از منظر آیات و روایات

در این قسمت، گزاره‌هایی در آیات و روایات که به صورت ایجابی و سلبی بر امنیت ایدئولوژی اسلامی دلالت دارند، در قالب دو بخش، قواعد ایجابی و قواعد سلبی تبیین می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین دستورات دین اسلام در سطح فردی و حکومتی می‌باشد که یکی از کارکردهای امنیتی آن تهدیدزدایی و حفاظت از ارزش‌های اسلامی و به طور کلی دین اسلام است. در آیات و روایات زیادی نیز جهات مختلف امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است. برخی آیات قرآن کریم به جنبه عمومی و سطح فردی وظیفه امر به معروف و نهی از منکر دلالت دارند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران (۳): ۱۱۰). «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَّصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر (۱۰۳): ۲-۳) و برخی دیگر از آیات نیز سطح حکومتی فریضه امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کنند: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران (۳): ۱۰۴). در برخی روایات به روشنی به بُعد امنیتی فریضه امر به معروف و نهی از منکر در حفظ دین اسلام و ارزش‌های اسلامی اشاره می‌شود. «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلَ الْأَنْبِيَاءِ وَمَنْهَاجَ الصَّالِحِينَ عَظِيمَةً بِهَا تَقَامُ الْفَرَائِضُ وَتَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَتَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَتَرُدُّ الْمَظَالِمَ وَتَعْمُرُ الْأَرْضَ وَيَنْتَصِفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۹). اهمیت امنیتی فریضه امر به معروف و نهی از منکر به قدری است که تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر آن به آب دهان در برابر دریای پهناور تشبیه شده است: «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلِّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفِثَةٌ فِي بَحْرِ لَجْئِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). در مجموع تأکیدات بر فریضه امر به معروف و نهی از منکر به این دلیل است که این دو وظیفه بزرگ در واقع ضامن اجرای بقیه وظایف فردی و اجتماعی است و در حکم روح و جان آنها محسوب می‌شود؛ به طوری که با تعطیل شدن آنها تمام احکام و اصول اخلاقی اسلام ارزش خود را از دست خواهد داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۰).

نهاد امامت و ولایت

یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های نهاد امامت و ولایت در اسلام؛ چه در عصر حضور و

چه در عصر غیبت، حفاظت از دین اسلام و ارزش‌های دینی است. در واقع امام معصوم و نیز نمایان خاص و عام ایشان، وظیفه دارند تا با هرگونه تهدیدی که اصل دین اسلام را به خطر می‌اندازد، مقابله نمایند. تحقق این مهم، تا جایی است که امام معصوم جان خود را نیز در این راه فدا می‌کند و به شهادت می‌رسد. شهادت امام حسین 7 مصداق بارز فداکاری نهاد امامت و ولایت در مسیر امنیت و تهدیدزدایی از دین اسلام است. «و علی الاسلام السّلام اذ قد بلیت الامة براع مثل یزید» (ابن طاووس، ۱۳۸۰، ص ۸۷). به طور کلی در فرهنگ ائمه :: حفظ دین و احیای معارف اسلامی محوری‌ترین عنصر می‌باشد: «سلامة الدّین أحبّ إلینا من غیره» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۳۵۳). لذا تشکیل حکومت، قیام، صلح و سکوت آنان در راستای حفظ اسلام و احیای سنت رسول الله ﷺ است. امام حسن 7 یکی از دلایل صلح خود را حفظ دین اسلام بیان می‌کند: «أنی خشیت أن یجتثّ المسلمون عن وجه الارض فاردت ان یکون للدّین ناعی» (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۴ و واردی، ۱۳۸۵، ش ۲۹۸، ص ۲۵-۲۴). در روایات متعددی به جایگاه امامت و ولایت در حفظ دین اسلام اشاره شده است. حضرت علی 7 حفظ حجت‌ها و نشانه‌های الهی را دلیل لزوم وجود امام در روی زمین ذکر می‌کند. دین اسلام و ارزش‌های اسلامی از جمله مصادیق حجت‌ها و نشانه‌های الهی می‌باشند که امام جامعه وظیفه حفظ آن را بر عهده دارند. «اللّهم بلی لا تخلو الأرض من قائم لله بحجة ظاهر مشهور أو خاف مغمور لئلا تبطل حجج الله و بیّناته و قال فی آخره انصرف إذا شئت» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۹۴). هم‌چنین در روایت دیگری نیز با معرفی شدن امام به عنوان محور دین اسلام، در واقع به جایگاه نهاد امامت و ولایت در حفظ دین اسلام اشاره شده است: «اسمعوا و اطیعوا لمن وّلاه الله الأمر فإنّه نظام الإسلام» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۲۹۸). در عصر غیبت نیز فقهای عادل و با تقوا با قرارگرفتن در جایگاه امام و ولی جامعه، از دین اسلام محافظت می‌کنند: «فأما من کان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا علی هواه مطيعا لأمر مولاه فللعوام أن یقلّده و ذلك لا یکون إلّا بعض فقهاء الشّیعة لا جمیعهم» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۵۸).

مجازات ارتداد

ارتداد از جمله تهدیداتی است که اصل دین را هدف قرار می‌دهد. در ارتداد، شخص مرتد از طریق ابراز و تبلیغ عقیده خلاف اسلام از یک سو با این دین که مبنای مشروعیت نظام سیاسی در جامعه اسلامی است، دشمنی می‌کند و در صدد تضعیف آن در جامعه است و در واقع، نوعی هجمه فرهنگی محسوب می‌شود و از سوی دیگر، با تضعیف فرهنگ اسلامی و اعتقادات مسلمانان، اصل حکومت اسلامی را تهدید می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۱۵-۶۱۴).

«كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ...» (آل عمران (۳): ۸۸-۸۶)؛ «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ» (آل عمران (۳): ۹۰).

در این آیات، شخص مرتد مشمول لعن و عذاب الهی معرفی می‌شود. نهی از ارتداد و عاقبت سخت مرتد حاکی از اهمیت فوق‌العاده حفظ اصل دین و لزوم دفع تهدید ارتداد از منظر قرآن کریم است.

زیرا ارتداد در واقع یک نوع قیام بر ضد رژیم کشور اسلامی است که در بسیاری از قوانین دنیای امروز نیز مجازات آن اعدام است، اگر به افراد اجازه داده شود، هر روز مایل بودند خود را مسلمان معرفی کنند و هر روز مایل نبودند استعفا دهند، به زودی جبهه داخلی اسلام از هم متلاشی خواهد شد و راه نفوذ دشمنان و عوامل و ایادی آنها باز خواهد شد و هرج و مرج شدیدی در سراسر جامعه اسلامی پدید خواهد آمد. بنابراین، حکم مزبور در واقع یک حکم سیاسی است که برای حفظ حکومت و جامعه اسلامی و مبارزه با ایادی و عوامل بیگانه ضروری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۵۱).

ممنوعیت کتب ضلال

یکی دیگر از مصادیق تهدیدکننده ایدئولوژی در آیات و روایات اسلامی، مطالعه کتب ضلال می‌باشد. کتب ضلال شامل هرگونه مطالب گمراه‌کننده در نشریات،

سایت‌ها و رسانه‌های نوشتاری، تصویری و شنیداری است. مطالعه این گونه از مطالب برای عامه مردم جز عده خاصی که توان پاسخ‌گویی به شبهات را دارند، ممنوع شده است. به عبارت دیگر، وجود مطالب خلاف واقع و شبهات در کتب ضلال باعث تضعیف ایمان و در برخی مواقع، باعث از بین رفتن آن نیز می‌شود، به همین دلیل، در اسلام، مطالعه این کتاب‌ها نهی شده است. از برخی از آیات و روایات می‌توان نهی از مطالعه این گونه از کتاب‌ها را استفاده کرد: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان (۳۱): ۶) «لَهْوَ الْحَدِيثِ»، مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که هرگونه سخنان یا آهنگ‌های سرگرم‌کننده و غفلت‌زا که انسان را به بیهودگی یا گمراهی می‌کشاند، در بر می‌گیرد؛ اعم از «غنا»، سخنان شهوت‌انگیز و هوس‌آلود سوق‌دهنده انسان به بیهودگی و فساد، داستان‌های خرافی و اساطیر منحرف‌کننده مردم از «صراط مستقیم» الهی، سخنان سخریه‌آمیز با هدف محو حق و تضعیف پایه‌های ایمان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۱۶-۱۵). هم‌چنین آیه «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج (۲۲): ۳۰) نیز بر اجتناب از کتب ضلال دلالت دارد. در واقع، کُتُب ضلال یکی از مصادیق قول‌الزوری است که در این آیه نهی شده است. «كُلٌّ مِنْهُ عَنِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّقِرُّ بِه لِغَيْرِ اللَّهِ اَوْ يَقْوَى بِه الْكُفْرُ وَ الشَّرْكَ مِنْ جَمِيعِ وَجُوهِ الْمَعَاصِي اَوْ مَا يُوْهِنُ بِه الْحَقُّ فَهوَ حَرَامٌ بِبِعْه وَ شَرَاؤِهْ وَ اِمْسَاكِهْ وَ مَلِكِهْ وَ هِبْتِهْ وَ عَارِيْتِهْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۸۵-۸۴). مطالعه کتاب ضلال از مواردی است که باعث تقرّب لغيرالله می‌شود و نیز وهن حق را به دنبال دارد. هم‌چنین از اطلاق ادله مذکور خرید و فروش کتب ضلال و تلاش در اشاعه مضامین کتاب‌های ضلال نیز استفاده می‌شود.

مقابله با بدعت

بدعت نوعی تصرف و نوآوری در قانون الهی به صورت کاستن چیزی از آن و یا افزودن چیزی بر آن می‌باشد که سابقه‌ای در کتاب و سنت و دیگر مدارک دینی نداشته باشد (سبحانی، ۱۳۹۵، ص ۶۹). در آیات و روایات بسیاری به بدعت، پیامدهای آن و

حکم بدعت‌گذار اشاره شده است. در واقع با بدعت، اصل دین اسلام تهدید می‌شود، لذا حکم به حرمت و مقابله با آن داده شده است.

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ» (الحاقه (۶۹): ۴۴-۴۶). این آیه نیز بر اهمیت حفظ دین اسلام و لزوم دفع هرگونه تهدید از آن، حتی از سوی پیامبر الهی دلالت دارد. در واقع معنای این آیات این است که حتی رسول الهی نیز حق بدعت‌گذاری ندارد. لذا در صورتی که سخنانی را از پیش خود بتراشد و به خداوند نسبت دهد، انتقام سختی از او گرفته خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۶۷۵). «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره (۲): ۷۹). در این آیه نیز خداوند متعال با استفاده از واژه «ویل» و تکرار آن، بدعت‌گذاران را به شدت به عذاب آخرت انداز می‌دهد. زیرا بدعت‌تهدیدی است که دین اسلام و جامعه اسلامی را با خطر مواجه می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۴۶).

در روایات نیز بدعت از مصادیق مخالفت با سنت رسول الله ﷺ معرفی شده است: وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ السُّنَّةِ وَ الْبِدْعَةِ وَ الْفِرْقَةِ وَ الْجَمَاعَةِ فَقَالَ 7: «أَمَّا السُّنَّةُ فَسُنَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَمَّا الْبِدْعَةُ فَمَا خَالَفَهَا...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۴۹). تهدید بدعت به قدری است که خداوند متعال توبه بدعت‌گذار را نمی‌پذیرد. «أَبَى اللَّهُ لِصَاحِبِ الْبِدْعَةِ بِالتَّوْبَةِ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۰۷) و علمایی را که با بدعت مقابله نمی‌کنند، لعن کرده است: «إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعَةُ فِي أُمَّتِي فَلِيُظْهِرِ الْعَالَمُ عِلْمَهُ فَإِنَّ لِمَنْ يَفْعَلُ فَعْلِيهِ لَعْنَةَ اللَّهِ» (همان، ص ۲۳۱).

ممنوعیت تشبیه به کفار

تشبیه به کفار نیز یکی دیگر از مواردی است که یکی از پیامدهای اجتماعی آن، تضعیف دین جامعه اسلامی است. از این رو، در احادیث اسلامی از آن نهی شده است: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى نَبِيِِّّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِهِمْ وَ لَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِهِمْ وَ لَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِهِمْ فَيَكُونُوا أَعْدَائِهِمْ كَمَا هُمْ أَعْدَائِهِمْ» (مجلسی،

۴۰۶ق، ج ۲، ص ۱۳۷). در این روایات، خداوند کسانی را که تشبه به کفار و دشمنان دارند، دشمن خود معرفی می‌کند. در واقع تشبه به کفار نوعی از تهاجم فرهنگی محسوب می‌شود که به تدریج سبب تضعیف دین و در نهایت از بین رفتن آن در جامعه می‌شود. لذاست که خداوند متعال کسانی را که از جهات مختلف به کفار و دشمنان تشبه پیدا می‌کنند، دشمن خود معرفی می‌کند.

امنیت نهادهای حکومتی از منظر آیات و روایات

در این قسمت، گزاره‌هایی در آیات و روایات که به صورت ایجابی و سلبی بر امنیت نهادهای حکومتی دلالت دارند، در قالب دو بخش، قواعد ایجابی و قواعد سلبی تبیین می‌گردد.

لزوم مشورت و مشارکت سیاسی

شورا در اصطلاح به معنای «استخراج رأی، با مراجعه بعضی به بعضی» (قرشی بنایی، ۴۱۲ق، ج ۴، ص ۸۸) می‌باشد. در قرآن کریم مشورت در امور از جمله ویژگی‌های مؤمنان معرفی شده است: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۴۲): ۳۸ و خداوند متعال نیز به پیامبر اعظم ﷺ دستور می‌دهند تا در امور حکومت با مسلمانان مشورت نماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹). این آیات نشان می‌دهند که اصل شورا و مشارکت مردم در امور حکومتی جایگاه بسیار مهم و مبنایی در نظام سیاسی اسلام دارد (شریعتی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱) که این امر نیز حاکی از نقش کلیدی شورا در تولید و حفظ امنیت نظام سیاسی است. زیرا مشارکت مردم در حقیقت، پشتوانه‌ای مادی و معنوی برای حکومت به شمار می‌آید که ضمن تقویت نظام سیاسی، تحقق اهداف حکومت را نیز تسهیل می‌نماید: «إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خِيَارُكُمْ وَأَغْنِيَاؤُكُمْ سَمْعَاءُكُمْ وَأَمْرُكُمْ سُورَىٰ بَيْنَكُمْ فَظَهَرَ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ بَطْنِهَا» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۸). لذا در روایات از یک سو، با استفاده از تعبیری هم‌چون «تنها تکیه‌گاه»: «و لا ظهیر کالمشاورۃ» (نهج البلاغه، حکمت ۵۴) و «عین هدایت»: «و الاستشارة عین الهدایة» (همان، حکمت ۲۱۱). به فواید امنیتی مشارکت سیاسی و مشورت در امور اشاره شده است و از سوی دیگر، نسبت به

مخاطرات و تهدیدات ناشی از ترک مشورت و مشارکت سیاسی هشدار داده می‌شود: «و قد خاطر من استغنی برأيه» (همان)، «من استبدّ برأيه هلك و من شاور الرجال شاركها في عقولها» (همان، حکمت ۱۶۱).

لزوم نظارت عمومی بر حکومت

نظارت بر حکومت به ویژه نظارت بر حاکم جامعه اسلامی یکی از مسؤولیت‌های اجتماعی مهمی است که دین اسلام بر عهده مسلمانان قرار داده است. در آیات و روایات بسیاری نیز با تعبیر مختلفی به این موضوع اشاره شده است. در برخی از روایات، نصیحت و خیرخواهی نسبت به حاکم جامعه اسلامی در کنار اخلاص و ملازمت با جماعت مسلمانان به عنوان یکی از ویژگی‌های هر مسلمان معرفی می‌شود: «ثلاث لا يغفل عليهن قلب امرئ مسلم إخلاص العمل لله والنصيحة لأئمة المسلمين والزم لجماعتهم» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۵۰-۱۴۹). در برخی دیگر از روایات نیز نظارت بر حکومت اسلامی، از جمله حقوق حاکم می‌باشد که مردم موظف به ادای آن هستند: «و أمّا حقّی علیکم فالوفاء بالبيعة والنصيحة في المشهد والمغيب والإجابة حين أدعوكم والطاعة حين آمرکم» (نهج البلاغه، خطبه ۳۴). هم‌چنین یکی از مصادیق برجسته روایت «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۵۶۵)، نظارت عمومی بر حکومت و حاکم اسلامی است. آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر نیز بر این وظیفه اجتماعی مردم در قبال حکومت و نظام اسلامی دلالت دارند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران (۳): ۱۱۰). در مجموع، تأکید دین اسلام بر لزوم نظارت عمومی بر حکومت در سطوح مختلف؛ اعم از انتخاب حاکم و کارگزاران و نیز حین انجام وظایف آنان، از یک سو، نقش به سزایی در به حداقل رساندن اشتباهات به ویژه در تصمیم‌گیری‌ها و اجرای مقررات دارد و این امر نیز در استمرار امنیت حکومت اسلامی نقش به سزایی دارد. از سوی دیگر نیز بی‌توجهی به امر نظارت عمومی، امنیت سیاسی جامعه را دچار مخاطره و تهدید می‌نماید و پیامدهای امنیتی ناگواری را برای جامعه اسلامی و نظام سیاسی در پی

خواهد داشت: «و لا تتركوا الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولئی اللّٰه أمرکم شرارکم ثمّ تدعون فلا یتجاب لکم علیهم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۵۲).

لزوم عدالت محوری حکومت

عدالت یکی از مهم ترین موضوعات امنیتی است که در آیات و روایات اسلامی در ارتباط با حاکم و حکومت به کار رفته است. «و إذا حکمتُم بَینَ النَّاسِ أَنْ تَحْکُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۴: ۵۸)، «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۵۷: ۲۵). در روایات بسیاری به نقش امنیتی عدالت از جهات گوناگون اشاره شده است. در برخی از روایات، عدالت به سپر محافظ جامعه تشبیه شده است: «العدل جنة واقية و جنة باقية» (ابن اَبی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۹۳). در برخی دیگر از روایات، وجود عدالت مایه قوام و پایداری زندگی بشر و عدم آن، سبب هلاکت انسان ها معرفی می شود: «العدل قوام البریة» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۳۹)، «الظلم بوار الرعیة» (همان، ص ۳۴۶)، «العدل قوام الرعیة و جمال الولاة» (همان، ص ۳۴۰). اقامه عدالت به عنوان عامل ثبات دولت ها در برخی دیگر از روایات معرفی شده است: «ثبات الدّول بإقامة سنن العدل» (همان). بنابراین، عدالت و برپایی آن در نظام سیاسی، نقش به سزایی در تولید امنیت سیاسی به ویژه بقای حکومت دارد و عدم آن نیز نظام سیاسی را با تهدید وجودی مواجه می کند: «الملک یتقی مع الکفر و لایتقی مع الظلم» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۰)، «بالظلم تزول النعم» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶)، «الظلم یدمر الدیار» (همان، ص ۴۳).

لزوم افزایش توانمندی و قدرت

افزایش توانمندی و قدرت نظام سیاسی در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، نظامی و... یکی از راه کاری است که با ایجاد نوعی بازدارندگی، سبب کاهش تهدیدات از یک سو و افزایش امنیت جامعه و نظام سیاسی از سوی دیگر می شود. قرآن کریم در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال: ۸: ۶۰) به این مهم اشاره کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴،

ج ۷، ص ۲۲۲) که از عموم این آیه تقویت و افزایش توانمندی نظام سیاسی در راستای کاهش تهدیدات و افزایش سطح امنیت سیاسی فهمیده می‌شود.

کشور بایستی قوی بشود... این هم از خطوط اصلی نسخه بعثت است... قرآن می‌فرماید که «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه می‌توانید قوت را زیاد کنید... ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی - که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوت تبلیغی. با گذشت زمان، عرصه‌های دیگری برای تقویت کشور و ملت به وجود می‌آید (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۳).

ممنوعیت سلطه‌پذیری

نفی سبیل و ممنوعیت سلطه‌پذیری یکی از مهم‌ترین قواعد دین اسلام در مواجهه با غیر مسلمانان است. نفوذ و سلطه کفار بر جامعه اسلامی از جمله تهدیداتی است که آزادی و استقلال حکومت و نظام سیاسی را دچار مخاطره می‌کند. در واقع، سلطه سیاسی کفار بر مسلمانان، امنیت سیاسی جامعه اسلامی را به خطر می‌اندازد. در آیات و روایات اسلامی به این قاعده اشاره شده است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۴). در این آیه خداوند متعال هرگونه سلطه کفار بر مسلمانان را نفی کرده است. با توجه به این که از کلمه «سبیل» در آیه که از قبیل «نکره در سیاق نفی» است، معنای عموم فهمیده می‌شود، لذا عموم آیه مذکور شامل نفی سلطه سیاسی نیز می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۵). در برخی از روایات نیز به قاعده امنیتی نفی سبیل و ممنوعیت سلطه‌پذیری اشاره شده است: «الاسلام يعلوا ولا يعلى عليه» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۵).

ممنوعیت استبداد

استبدادی شدن یک نظام سیاسی از جمله عوامل مخل امنیت سیاسی محسوب می‌شود. استبداد به رأی و سلب حقوق و آزادی‌های سیاسی توسط نظام سیاسی، ضمن از بین بردن مشروعیت نظام سیاسی، سبب محروم شدن حکومت از پشتوانه مردمی می‌گردد و این امر نیز نظام سیاسی را در مواجهه با تهدیدات داخلی و خارجی تضعیف

و آسیب پذیر می نماید. لذا در آیات و روایات اسلامی، استبداد به دلیل تهدیدات امنیتی آن برای نظام سیاسی، مورد نکوهش و نهی واقع شده است. در برخی از روایات، استبداد مایه هلاکت و نابودی نظام سیاسی معرفی می گردد: «من استبدَّ برأیه هلك» (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)، «لا تستبدَّ برأیک فمن استبدَّ برأیه هلك» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۵۲۸ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۵۲). در روایت دیگری نیز آسان شدن شکست نظام سیاسی توسط دشمنان به عنوان تهدیدی جدی برای نظام استبدادی شمرده شده است: «من استبدَّ برأیه خفت وطأته علی أعدائه» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۰ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳۰). در روایات دیگری نیز با تعبیر و عباراتی هم چون لغزش، ذلت، ضرر و خطر به تهدیدات استبداد برای نظام سیاسی اشاره می شود: «من استبدَّ برأیه زل» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۲۹ و تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۸۱)، «من استبدَّ برأیه ذل» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۸۹ و ۴۹۶)، «من استبدَّ برأیه فقد خاطر و غرر» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۶۶).

مجازات بغی

بغی در لغت به معنای تجاوز (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۲)، فساد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۲) و نافرمانی (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۸۸۷) آمده است. در اصطلاح نیز به معنای خروج بر حاکم اسلامی (امام عادل) تعریف شده است (پورحسین، ۱۳۹۱، ص ۴۱). بغی از جمله اقدامات براندازانه ای است که نظام سیاسی را با تهدید بقا مواجه می کند و امنیت سیاسی را دچار مخاطره می سازد. لذا در آیات و روایات اسلامی برای حفاظت از نظام اسلامی و تأمین امنیت سیاسی، بر وجوب جهاد و مقابله با باغیان و براندازان تأکید شده و مجازات سختی برای آنان در نظر گرفته شده است: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَاءَ تِ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات (۴۹): ۹). از این آیه وجوب جهاد و مبارزه با باغیان و براندازان استنباط می گردد. در روایات نیز بر وجوب جهاد و مقابله با اهل بغی و براندازان تأکید

شده است: «... و أَحْتَكِمُ عَلَى جِهَادِ أَهْلِ الْبَغْيِ» (نهج البلاغه، خطبه ۹۶)، «إِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ عَادِلٍ أَوْ جَمَاعَةٍ فَقاتَلُوهُمْ وَإِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَلَا تقاتَلُوهُمْ فَإِنَّ لَهُمْ فِي ذَلِكَ مَقَالًا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۵).

مجازات محاربه

محاربه در اصطلاح به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن فرد یا گروهی به انگیزه ایجاد رعب و وحشت دست به اسلحه می‌برند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۲۹۸). محاربه در واقع نوعی اختلال در امنیت داخلی جامعه محسوب می‌شود. اگرچه محاربه به طور مستقیم اساس حکومت را تهدید نمی‌کند، اما از آن جا که یکی از پیامدهای سیاسی - امنیتی آن، کاهش حضور و مشارکت سیاسی مردم در جامعه است، لذا از این طریق می‌تواند اساس حکومت اسلامی را که مبتنی بر مشارکت مردمی است، با تهدید و مخاطره مواجه کند و امنیت سیاسی را به خطر بیندازد. در آیات و روایات بسیاری به دلیل تهدیدات امنیتی محاربه برای جامعه و نظام اسلامی، مجازات بسیار سختی برای افراد و گروه‌های محارب تعیین شده است: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده (۵): ۳۳). در این آیه مبارکه به چهار گونه مجازات برای محارب اشاره شده است:

«من شهر السلاح في مصر من الأمصار فعقر اقتص منه و نفي من تلك البلدة و من شهر السلاح في غير الأمصار و ضرب و عقر و أخذ المال و لم يقتل فهو محارب فجزاؤه جزاء المحارب و أمره إلى الإمام إن شاء قتله و [إن شاء] صلبه و إن شاء قطع يده و رجله» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۴۷).

در این روایت نیز علاوه بر دلالت بر مجازات محارب، به طور ضمنی به مفهوم محاربه نیز اشاره شده است.

امنیت قلمرو سرزمینی (دارالاسلام) از منظر آیات و روایات

در این قسمت، گزاره‌هایی در آیات و روایات که به صورت ایجابی و سلبی بر

امنیت قلمرو سرزمینی (دارالاسلام) دلالت دارند، در قالب دو بخش، قواعد ایجابی و قواعد سلبی بیان می‌شود.

لزوم مرزبانی

مرزبانی از جمله مهم‌ترین اقدامات امنیتی کشورها در راستای حفاظت از قلمرو سرزمینی‌شان به شمار می‌رود. مرزبانی که در ادبیات اسلامی بر آن رابطه و مرابطه اطلاق می‌شود، در نظام امنیتی اسلام نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. بررسی منابع دینی به ویژه روایات، حاکی از اهمیت فوق‌العاده مرزبانی، در حفظ امنیت سرزمین‌های اسلامی است. تأمل در دعای امام سجاد 7 برای مرزداران، اهمیت جایگاه حراست از مرزهای اسلامی را در تأمین امنیت به خوبی آشکار می‌نماید: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَصِّنْ ثَغُورَ الْمُسْلِمِينَ بَعْرَتِكَ، وَآيِدْ حِمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ، وَأَسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جَدَّتِكَ...» (کبیر مدنی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۷۵). اهمیت مرزداری در نظام امنیتی اسلام به گونه‌ای است که در برخی دیگر از روایات، حتی برای کسی که اسبی را برای استفاده در مرزبانی اختصاص دهد، محو گناهان و ثبت ثواب به عنوان پاداش در نظر گرفته شده است: «مَنْ رَاطَ فِرْسًا عَتِيقًا مَحِيْتًا عَنهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ كَتَبَتْ لَهُ إِحْدَى عَشْرَةَ حَسَنَةً فِي كُلِّ يَوْمٍ...» (ابن بابویه، ۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۸۴). در اهمیت مرزداری در حفظ امنیت ثغور و سرزمین‌های اسلامی همین بس که این عمل در شرایط حاکمیت حکومت‌های جور نیز مورد توجه ائمه اطهار : بوده است:

أرأيتك لو أن الروم دخلوا على المسلمين لم ينبغ لهم أن يمنعوهم قال:
«يرابط ولا يقاتل و إن خاف على بيضة الإسلام و المسلمين قاتل فيكون قتاله
لنفسه و ليس للسلطان [قال قلت: فإن جاء العدو إلى الموضع ألدى هو فيه
مرباط كيف يصنع؟ قال:] يقاتل عن بيضة الإسلام لا عن هؤلاء لأن في دروس
الإسلام دروس دين محمد 9» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۳).

لزوم توجه به نیروهای مسلح

حفاظت از تمامیت ارضی، یکی از مهم‌ترین وظایف نیروهای مسلح در هر کشور می‌باشد. لذا تقویت هر چه بیش‌تر نیروهای مسلح از جهات گوناگون در تحقق هر چه

بهتر این وظیفه، نقش به سزایی دارد. بر این اساس، در آیات و روایات اسلامی نیز بر اهمیت جایگاه نیروهای مسلح و افزایش توانمندی آنها در تولید امنیت و حراست از سرزمین‌های اسلامی تأکید شده است:

«فالجند بإذن الله حصون الرعية و زين الولاية و عز الدين و سبل الأمن و ليس تقوم الرعية إلا بهم ثم لا قوام للجند إلا بما يخرج الله لهم من الخراج الذي يقوون به في جهاد عدوهم و يعتمدون عليه فيما أصلحهم و يكون من وراء حاجتهم» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۱۶۳-۱۶۲).

در این روایت، با استفاده از تعبیری هم‌چون «دژ»، «سبب امنیت»، «مایه عزت»، به اهمیت جایگاه نیروهای مسلح و لزوم توجه به آن در نظام امنیتی اسلام اشاره شده است. با توجه به این جایگاه است که در آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال(۸): ۶۰) بر لزوم تقویت توانمندی نیروهای مسلح تأکید می‌گردد.

لزوم جهاد دفاعی

جهاد در نظام امنیتی اسلام از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که قریب به ۵۰ آیه از قرآن کریم به موضوع جهاد پرداخته است: «انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه(۹): ۴۱). در این بین، جهاد دفاعی به عنوان یکی از انواع جهاد، جایگاه ویژه‌ای در حراست از سرزمین‌های اسلامی و دفع دشمنان دارد. در روایات بسیاری بر اهمیت جهاد تأکید شده است: «فإنَّ الجهاد باب من أبواب الجنة فتحة الله لخاصة أوليائه و سوغهم كرامة منه لهم و نعمة ذخرها و الجهاد هو لباس التقوى و درع الله الحصينة و جنته الوثيقة فمن تركه رغبة عنه ألبسه الله ثوب الذل و شمله السبلاء...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴). در این روایت، از یک سو با تعبیری هم‌چون «دری از درهای بهشت»، «زره محکم خدا» و «سپر مطمئن خداوند»، به فواید امنیتی جهاد در دنیا و آخرت اشاره شده است و از سوی دیگر، بلا، ذلت و خواری از جمله پیامدهای ناگوار ترک جهاد معرفی می‌گردد.

نفی هرگونه سلطه

در دین اسلام هرگونه اقدامی که سبب سلطه غیر مسلمانان بر مسلمانان گردد و امنیت کیان جامعه اسلامی را به خطر بیندازد، نفی شده است: «وَأَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۴): ۱۴۱). «الاسلام يعلوا ولا يعلی علیہ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۵). اشغال و تصرف سرزمین‌های اسلامی توسط غیر مسلمانان از جمله مصادیق سلطه‌ای می‌باشد که در آیه و روایت مذکور نفی شده است.

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف بررسی مبانی مرجع امنیت سیاسی در نظام امنیتی اسلام بر اساس رویکرد دولت‌محور به نتایج ذیل دست یافته است:

۱. با توجه به نمودهای سه‌گانه مرجع امنیت سیاسی در رویکرد دولت‌محور، می‌توان به گزاره‌هایی در قرآن کریم و روایات اسلامی اشاره داشت که به صورت ایجابی و سلبی بر تقویت، دفع و رفع هرگونه تهدید از نمودهای سه‌گانه دولت اسلامی به مثابه مرجع امنیت سیاسی در نظام امنیتی اسلام؛ یعنی ایدئولوژی اسلامی، نهادهای حکومتی، دارالاسلام دلالت دارد.
۲. در نظام امنیتی اسلام، قاعده امر به معروف و نهی از منکر و نهاد امامت و ولایت به عنوان راه‌کاری ایجابی و نیز قواعدی به عنوان راه‌کاری سلبی در مواجهه با تهدیدهای نرمی هم‌چون ارتداد، کتب ضلال، بدعت، تشبه به کفار برای حفظ امنیت ایدئولوژی اسلامی طراحی شده است.
۳. برای حفظ نهادهای حکومتی در نظام امنیتی اسلام، از یک سو، قواعد ایجابی تقویت‌کننده نهادهای حکومتی هم‌چون لزوم مشورت و مشارکت سیاسی، لزوم نظارت عمومی، لزوم عدالت‌محوری حکومت، لزوم افزایش توانمندی و قدرت وضع شده است و از سوی دیگر، با وضع قواعدی سلبی هم‌چون ممنوعیت سلطه‌پذیری، ممنوعیت استبداد، مجازات بغی و مجازات محاربه با عوامل و زمینه‌های تهدید وجودی نهادهای حکومتی مقابله شده است.
۴. لزوم مرزبانی، لزوم توجه به نیروهای مسلح و لزوم جهاد دفاعی و نیز نفی هرگونه سلطه‌پذیری از جمله قواعد سلبی و ایجابی نظام امنیتی اسلام برای حفظ امنیت قلمرو سرزمینی (دارالاسلام) به شمار می‌آیند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آل سیدغفور، سیدسجاد، «گزاره‌های قرآنی مرجع امنیت سیاسی افراد»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال هشتم، ش ۲۹، تابستان ۱۳۹۹.
۴. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، ج ۱، قم: دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ق.
۵. ابن اثیر، عز الدین، علی، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، تهران: اسلامی، ۱۳۹۵ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۸. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۱، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۹. ابن طاووس، علی بن موسی، لهوف، ترجمه حسن میر ابوطالبی، قم: دلیل ما، ۱۳۸۰.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۱۱. افتخاری، اصغر، امنیت، تهران: دانشگاه امام صادق ۷، ۱۳۹۱.
۱۲. انوری، حسن و هم کاران، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، تهران: سخن، ۱۳۸۲.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خلیل، محاسن، ج ۱، قم: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ق.
۱۴. بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹.
۱۵. بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸.
۱۶. بوزان، باری، ویور، الی و دوویدل، پاپ، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طبیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
۱۷. بیانات مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع‌رسانی آیه الله خامنه‌ای، دسترسی در: Khamenei.ir.
۱۸. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
۱۹. پورحسین، مهدی، بغی و تمرد در حکومت اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۲۰. پورسعید، فرزاد، «مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی»، مجموعه مقالات امام خمینی؛ و بنیان‌های نظری امنیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰.
۲۱. تمیمی‌آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.

۲۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و دررالکلم*، تصحیح سیدمهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۳. جهان‌بزرگی، احمد، *امنیت در نظام سیاسی اسلام (اصول و مؤلفه‌ها)*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، *معجم‌الصحاح*، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۲۹ق.
۲۵. حاج‌زاده، هادی، کرمی، حامد و یغمایی، حمیدرضا، «جایگاه امنیت نظام سیاسی در فقه امامیه با تاکید بر مرجع امنیت»، *فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، سال دوم، ش ۴، پاییز ۱۳۹۵.
۲۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، ج ۱۶ و ۱۷، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ق.
۲۷. حمیم، سلیمان، *فرهنگ معاصر انگلیسی - فارسی*، ج ۲، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸.
۲۸. خامنه‌ای، سیدعلی، *رسالة اجوبة الاستفتائات (ترجمة فارسی)*، تهران: امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۳.
۲۹. داوری اردکانی، رضا و شاکری، سیدرضا، «امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی /»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، ش ۱، بهار و تابستان، ۱۳۸۸.
۳۰. دهخدا، علی‌اکبر، *لغت نامه دهخدا*، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۳۱. رحمت‌اللهی، حسین و دیگران، «امنیت سیاسی افراد و مرجع آن در فقه امامیه»، *فصلنامه حقوق اسلامی*، سال دوازدهم، ش ۴۴، بهار ۱۳۹۴.
۳۲. سبحانی، جعفر، *آشنایی با عقاید وهابیان: تاریخچه پیدایش این گروه با تجزیه و تحلیل کامل از عقاید آنان*، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی ۷، ۱۳۹۵.
۳۳. شریعتی، روح‌الله، *قواعد فقه سیاسی*، قم: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۳.
۳۴. طبرسی، احمد بن علی، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، ج ۲، مشهد مقدس: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۳۵. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تحقیق سیداحمد حسینی، ج ۱، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۳۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، *تهذیب الأحکام*، ج ۶، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، *النهاية*، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ق.
۳۸. عبدالله‌خانی، علی، *نظریه‌های امنیت*، تهران: مؤسسه ابرار معاصر، ۱۳۸۳.
۳۹. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، *ترتیب کتاب العین*، ج ۱، قم: انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ق.

۴۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۷.
۴۲. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۴۳. کبیر مدنی، سیدعلیخان بن احمد، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۴۴. کافی، مجید، «هدفمندی و آرمان‌گرایی در سبک زندگی اسلامی»، پژوهش‌نامه سبک زندگی، سال سوم، ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۶. لک‌زایی، نجف، «امنیت متعالیه»، فصلنامه سیاست متعالیه، سال دوم، ش ۵، تابستان ۱۳۹۳.
۴۷. لک‌زایی، نجف، «مکتب امنیتی متعالیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، ش ۲۶، ۱۳۹۴.
۴۸. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶.
۴۹. ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷.
۵۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۳، ۲۸ و ۷۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۱. مجلسی، محمدتقی، روضه المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، تصحیح حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهااردی، ج ۲ و ۵، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۵۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۵۳. مفید، محمد بن محمد، الامالی، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ۳، ۴، ۷، ۱۷ و ۱۹، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۵. نباتیان، محمداسماعیل، «مبانی فقهی نظام جمهوری اسلامی؛ امنیت سیاسی نظام اسلامی از منظر فقه شیعه»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، ش ۴۷، زمستان ۱۳۹۵.
۵۶. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
۵۷. واردی، سیدتقی، «علل و عوامل صلح امام حسن مجتبی ۷»، نشریه پاسدار اسلام، ش ۲۹۸، ۱۳۸۵، دسترسی در: <http://ensani.ir/fa/article/138876/>
۵۸. ویلیامز، پل دی، درآمدی بر بررسی‌های امنیتی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۰.
59. Wolfers, Arnold, "National Security as an Ambiguous Symbol", *Political Science Quarterly*, Vol. 67, No. 134, December, 1952.